وکیل شرق

حق تحصیل در دانشگاه

سعید دهقان

صدیقه م. از کرج: من در عقدنامه حق تحصیل، اشتغال و طلاق را از همسرم گرفتم؛ اما حالا که فوق لیسانس قبول شدم و او باید مقدمات اعمال این حق را فراهم کند، می گوید هزینه دانشگاه شبانه بالاست و نمی شود! آیا او می تواند این حق را به این طریق از من سلب کند!؟

وکیل شرق: ۱- به نظر بنده، «حق تحصیل» نیازی به تصریح در عقدنامه ندارد و به طور عادی هر شهروندی اعم از زن یا مرد این حق را داراست. حتی حق اشتغال هم به همین شکل است، با این تفاوت که مطابق ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی «شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی با مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.» (پس مشاغل عادی برای زن، نیازی به اخذ مجوز یا دریافت حق از شوهر ندارد). ۲- حتی در فرضی که حق تحصیل زن را منوط به اعطای قانونی آن از سوی شوهر بدانیم، اعطای این حق، الزاماً به معنای پرداخت هزینه های آن توسط شوهر نیست، کما اینکه اعطای حق اشتغال به زن (بر فرض که نیاز به اعطای قانونی باشد) به این معنا نیست که شوهر مجبور به کاریابی برای همسرش باشد! و یا اعطای حق طلاق به زن، به معنای اجرای این حق از سوی شوهر نیست تا مجبور باشد تمام هزینه های قانونی و قضایی آن را به جای همسرش پرداخت کند! بلکه در این صورت، زن وکیل در طلاق خواهد بود، با قبول تمام شرایط قانونی و هزینه های مربوط به اجرای آن. ۳- سلب این حق از طریقی که اشاره کردید، ممکن نیست. اما آنچه مسلم است اینکه، بار مالی و غیرمالی هزینه های دانشگاه - آن هم در سطح تحصیلات تکمیلی - بر عهده یک نفر نیست و بر عهده کلیت زندگی زناشویی است که فقط با توافق و درک متقابل روی این مسئله که حساب و کتاب زن و شوهر از هم جدا نیست، امکان پذیر است. همچنانکه اگر همسرتان به جای شما قبول می شد، این حق را داشت که ادامه تحصیل بدهد، البته با قدری فشار بر روی زندگی مشترک که مثلاً کمتر در خدمت خانواده باشد و یا همان مسائل مادی که اکنون برای شما متصور است! این طور نیست؟

بدهی زن موقت

صمد ن: مدت شش ماه خانمی را به عقد موقت خویش درآوردم. نفقه و مهریه وی را نیز کامل پرداخت نمودم. بعد از اتمام مدت عقد، ایشان مبالغی از اینجانب به عنوان قرض الحسنه دریافت کرد و حتی به علت عدم توانایی در پرداخت اجاره بهای منزل مسکونی، اینجانب اجاره بها را به حساب صاحبخانه وی واریز می کردم. علاوه بر آن یک دستگاه کامپیوتر و لوازم دیگری نیز از اینجانب خریداری کرده و هنوز بهای آن را نپرداخته. حال که تمکن مالی دارد از وی خواسته ام بدهی خود را بپردازد لکن ایشان از پرداخت آن امتناع می نماید. آیا می توانم با ارائه فیش های بانکی واریزی به عنوان اجاره بها، فاکتور اجناس و... از ایشان جهت بازپرداخت بدهی شکایت نمایم؟

وکیل شرق: شما می توانید برای مطالبه وجوه پرداخت شده دادخواست مطالبه وجه به دادگاهی که ایشان در حوزه آن اقامت دارند ارائه بدهید و فاکتور اجناس و سایر دلایلی که به استناد آن شما خود را طلبکار می دانید ضمیمه دادخواست خود نمایید. این دعوا ماهیت حقوقی دارد و نمی توان بابت طلب شکایت یا دعوای کیفری طرح کرد. همچنین در مورد اجاره بهای پرداختی قابل ذکر است کسی که دین دیگری را ادا می کند، اگر با اذن باشد، حق مراجعه به او را دارد والا حق رجوع ندارد.

گفت وگو با عمادالدین باقی

نگاه خلاق به حقوق بشر

فاطمه امان: بخش اول گفت وگو با عمادالدین باقی که ترجمه شده از یکی از وب سایت های انگلیسی زبان بود یکشنبه ۵ شهریور چاپ شد، بخش پایانی این گفت وگو را که در کتاب محقق آمریکایی خانم جوئیس دیویس منتشر خواهد شد، می خوانید.

■■■

■ شما می گویید تا آنجا با مدرنیته موافقید که بتوان آن را با سنت تطبیق داد، یا برعکس؟

آن چیزی که مد نظر من قرار دارد این است که ما باید در واقع یک موضع نقادانه داشته باشیم. اولاً ما هنگامی که از مذهب حرف می زنیم، در واقع از فهم انسان از دین سخن می گوییم. فهم انسان از دین مثل فهم انسان از جامعه و طبیعت است. حقوق بشر هم یکی از این فهم ها است. بنابراین گاهی همسنگ می شوند. وقتی که همسنگ می شوند بایستی نگاه ما نگاه یک کنشگر خلاق و نقاد باشد به این معنی که نگاه ما در مورد هر دو نقد و پالایش باشد. سنت را نباید حذف کرد. به هر حال سنت یک میراثی است که ذره ذره در طول قرن ها بر هم انباشته شده، آزمون و خطاهایی عظیم را پشت سر گذاشته و عناصر محکم و ماندگاری در آن وجود دارد. نباید سنت را تخطئه کرد، بلکه باید آن را پالایش و بازتفسیر کرد. همین کار را باید با مفاهیم مدرن انجام داد، برای مثال شما یک نگاهی به تاریخچه بحث حقوق بشر بیندازید. اگر قرار بود که حقوق بشر از وقتی که ظاهر شد، مثل همین طور با آن رفتار کنیم، خوب حقوق بشر هم تکامل پیدا نمی کرد. اما حقوق بشر به این دلیل تکامل یافت که در معرض نقادی و پالایش بود. مثلاً نسل اول حقوق بشر کاملاً مبتنی بر لیبرالیسم فردگرایانه بود ولی با چالش هایی که به وجود آمد و انتقادات گسترده ای که مطرح گردید و مبنای لیبرالیستی آن به ویژه از طرف سوسیالیست ها و مارکسیست ها مورد نقد قرار گرفت شما شاهد ظهور نسل سوم حقوق بشر هستید که نسل سوم حقوق بشر تحت تاثیر آموزه های لیبرالیستی هست ولی به طور کامل بر مبنای نظریه های فردگرایانه لیبرالیستی نیست. مثلاً حق بر توسعه و خیلی از حقوقی که در نسل سوم حقوق بشر مطرح می شود، کاملاً جنبه اجتماعی دارد و فردی نیست. سیر تحول حقوق بشر را که مشاهده می کنید در می یابید که حقوق بشر هم نواقصی داشته که این نواقص مورد بحث و نقد قرار گرفته و این نقدها باعث شده که تکمیل شود، تکامل پیدا کند و حتی در مواردی مبانی آن هم به چالش کشیده شده است. مثلاً اینکه مبنای حقوق بشر در ابتدا حقوق طبیعی بود و خیلی ها هم گفتند که حقوق بشر در زمره حقوق طبیعی است که حقوق ذاتی محسوب می شود و فطری است. اما بعداً خیلی از فیلسوفان این نکته را نقد کردند. بعضی ها مبنای حقوق بشر را قبول دارند ولی صورت بندی، محتوا و عبارت هایش را قبول ندارند و می گویند اینها تامین کننده مبنا نیست. بعضی ها آن مبنا را قبول ندارند اما صورت بندی و ظاهر آن را قبول دارند و بعضی ها هر دو آن را قبول ندارند.

■ یکی از ایرادهایی که شما به بعضی از روشنفکران گرفته اید این است که چرا از ادبیاتی استفاده می کنید که باعث برانگیختن جامعه مذهبی بشود و روحانیون در برابرش چنین واکنشی نشان دهند و احساس خطر کنند و فکر کنند کسانی می خواهند بساط دین را جمع کنند. می گویید بعضی از بحث های حقوق بشر ریشه و سابقه در فرهنگ خود ما و در متون مذهبی دارند و می گویید چرا ارجاع ندهیم به این متون که مقاومتی ایجاد نشود؟ یعنی چرا ما همین حرف های معقول را به نوعی مطرح نکنیم که باعث مخالفت نشود و بعد برای توضیح اینکه حقوق بشر با دین مغایرتی ندارد، می گویید بعضی از این مباحث بیش از هزار سال است در کتب فقه وجود دارد. در این مورد توضیح بدهید.

هزار سال پیش تا الان در کتب اصول فقه ما نظریه ای به عنوان اولین بحث و در واقع یک مقدمه و مبنایی برای کل اصول فقه مطرح می شود آن هم این است که احکام شرع دو دسته اند: احکام ظاهری و احکام واقعی. احکام واقعی احکامی هستند که در لوح محفوظ است. یعنی همان حکمی است که خداوند داده و غرض شارع بوده است.

حکم ظاهری عبارت است از اجتهاد علما. می گویند علما کوشش می کنند آن حکم واقعی را بفهمند. وقتی آیه قرآن را می خوانند می گویند که حکم شارع این بوده است اما معنایش این نیست که ما حتماً غرض شارع را فهمیده ایم. شاید آن چیزی که ما فهمیده ایم، غرض شارع نبوده باشد. غرض شارع یا حکم واقعی در دسترس ما نیست، این همان چیزی است که ما به آن می گوییم دین. فهم دینی، به قول علما این همان چیزی است که به آن احکام ظاهری یعنی اجتهاد علما گفته می شود. اساساً دلیل اینکه شیعه ها معروفند به مصوبه و اهل سنت معروفند به مخطئه این است که شیعه ها در همین اصول فقه می گویند «آن فقیهی که کوشش می کند حکم شارع و حکم واقعی را بفهمد و اجتهاد می کند، اگر مصیب بود، یعنی اجتهاد و فهمش، اصابت به آن حکم واقعی پیدا کرد و مطابق آن حکم واقعی بود، دو اجر می برد. اما ممکن است یک فقیهی زحمت بکشد اجتهاد کند، آیه قرآن را بخواند و بگوید این حکم شارع است اما اشتباه بکند، یعنی اصلاً حکم شارع و غرض شارع این نبوده که این فرد می گوید. در این صورت این فرد یک اجر می برد. چرا؟ چون سعی خودش را کرده کوشش خود را کرده که بفهمد، اما اشتباه فهمیده. بنابراین می بینید که قرن هاست در اصول فقه این بحث حکم واقعی و حکم ظاهری وجود دارد. حکم واقعی همان است که به آن دین می گویند و حکم ظاهری آن چیزی است که به آن می گویند اجتهاد علما یا فهم ما از دین، که ممکن است این فهم ما از دین مطابق با خود دین و حکم واقعی باشد و ممکن است نباشد. آنچه در میان ما انسان ها به عنوان دین جریان دارد در حقیقت همان احکام ظاهری و به عبارت دیگر فهم و اجتهاد ما از دین است.

من معتقدم که بعضی افراد به گونه ای مسائل را مطرح می کنند که حتی فقهایی که خودشان سال ها است دارند همان مسئله را تدریس می کنند و هزار سال است که در متون موجود است، به مخالفت با آن برمی انگیزند. یعنی باعث ایجاد سوءتفاهم می شوند. عین بحثی که من الان در مورد سنت و مدرنیته و حقوق بشر دارم این است که بعضی وقت ها به جای آنکه نشان دهیم چیزی که از آن دفاع می کنیم با مذهبی که شما به آن معتقدید تضادی ندارد، و به جای آنکه تلاش کنیم بگوییم اگر نزاعی وجود دارد قابل حل است، به بحران می افزاییم.

■ شما می گویید افراطی های همه مذاهب و فرقه ها در جایی با هم تلاقی می کنند.

بعضی وقت ها دفاع افراد و ادبیاتی که به کار می گیرند، خود باعث سوءتفاهم می شود. بعضی ها از مفاهیم مدرن با زبانی دفاع می کنند که خیلی از مذهبی ها که در اصل و در محتوا آن را قبول دارند نمی دانند که این همان چیزی است که خودشان هم قبول دارند و در نتیجه به واکنش می افتند. چون آنها سعی می کنند از این مفاهیم مدرن به گونه ای حرف بزنند که گویی مفاهیم مدرن هیچ جایی برای مذهب و عقاید آنها باقی نگذاشته. یعنی چنان به مدرنیته اصالت می دهند که گویی همان رفتاری که نیروهای مقابل اینها با مذهب دارند، اینها با مدرنیته دارند. یعنی اینها در واقع یک مذهب جدیدی را علم می کنند و اصالت را به بعضی از مفاهیم مدرن می دهند. چنان اصالت می دهند که انگار این یک امر مقدس لایتغیر، غیرقابل تفسیر و کاملاً تخلف ناپذیر است. این فهم را صد سال پیش هم مدافعان حقوق بشر داشتند. آن موقع مخالفان می گفتند فقط بایستی اصالت را به حقوق بشر داد و هر چیز را که با آن موافق باشد باید پذیرفت و هر چیزی که موافق آن نبود را باید رد کرد. در آن موقع این افراد فکر نمی کردند که صدسال بعد از خودشان، حقوق بشر دستخوش چه تحولات و دگردیسی هایی می شود و چقدر تکامل پیدا می کند. آنها یک رفتار ایدئولوژیک می کردند. تبدیل حقوق بشر به ایدئولوژی خطرناک است. منظورم از ایدئولوژی این است که آن را تبدیل کنیم به اصول ثابت لایتغیر و مقدس و غیرقابل نقد. البته حوزه ایمانیات که جنبه کاملاً فردی ولی آثار اجتماعی دارد در معرض این نقدها قرار نمی گیرد فرض امور مقدس زیانی را متوجه دیگران نمی سازد ولی در حوزه معقولات و اجتماعیات نمی توان قائل به امر مقدس غیرقابل نقد شد.

چیزی که باعث می شود نیروهای افراطی همیشه در یک نقطه به هم برسند، همین است. اینکه در دو موضع متضاد قرار دارند یکی موضع دینی و دیگری موضع ضد دین. اما در یک چیز مشترکند و آن هم اصل جزمیت است. چون هر دو دچار جزمیت و دگماتیسم می شوند، هر دو نگاهشان ایدئولوژیکی است. در نتیجه در یک نقطه به هم می رسند.

نگاه القاعده به مذهب، نگاهی است که می گوید برای دفاع از اسلام می شود کشت و در نتیجه جنایت می کند. در مقابل آنها افراد زیادی داریم که نظریه پردازی می کنند که برای دفاع از دموکراسی می توان کشت. یعنی تنها جایی که ما مجوز کشتن داریم، دفاع از دموکراسی است.

■ شاید عادلانه نباشد که هر دو را در یک حد بگیریم. واقعیت این است که اتفاق نمی افتد که گفته شود به خاطر دفاع از دموکراسی باید کشت.

در عراق اتفاقاتی که می افتد چیست و چه توجیهی دارد. واقعیت این است که لشکرکشی شده، عده زیادی کشته شده اند یا کسانی در جنگ کشته می شوند. مطالعات انجام شده درباره جنگ ها نشان می دهد که ۷۵درصد کشته شدگان جنگ ها را غیرنظامیان تشکیل می دهند. بسیاری از کسانی که در عراق کشته شدند نیز ربطی به جنگ نداشتند. توجیه جنگ عراق همواره این بوده که ما این کار را برای برقراری دموکراسی انجام می دهیم. حال اگر بخواهیم قضیه را منصفانه تر ببینیم، شاید بتوانیم در افراط هایی که بین موافقین و مخالفین در جهات دیگری می شودبپردازیم. دو گروه داعیه تضاد دین و دموکراسی را دارند. (به طور عام چه در غرب و چه در شرق) در کشورهای اسلامی این تبدیل می شود به داعیه تضاد اسلام و حقوق بشر. یک عده از موضع دفاع از اسلام می خواهند حقوق بشر را از میدان خارج کنند و اصالت را می خواهند بدهند به فهم خودشان از اسلام. منتها اشکال در این است که فهم خود را از اسلام، اسلام قلمداد می کنند. گروه دوم می خواهند اسلام را به نفع حقوق بشر از دور خارج کنند. نتیجه هر دو یکی می شود به این دلیل که گروهی که از موضع ضد دینی از «تضاد میان دین و حقوق بشر» دفاع می کنند می خواهند بگویند دوره دین به سر آمده. اینها بدون آنکه خودشان بخواهند آب به آسیاب همان کسانی می ریزند که از موضع مذهبی می گویند اسلام و حقوق بشر در تضادند. من نمی گویم لائیک ها تبلیغ ضد دینی می کنند و می خواهند به جنگ دین بروند. اما من می گویم نفس طرح این تضاد، یعنی ایجاد نگرانی در کسانی که معتقد به مذهب هستند. یعنی این افراد احساس می کنند که خب وقتی خود مدافعان حقوق بشر می گویند آن چیزی که ما از آن دفاع می کنیم با دین تضاد دارد، پس پیشرفت حقوق بشر یعنی سلب دین. به عقیده من نفس طرح این تضاد، یک چنین تبعاتی دارد و چنین القایی می کند. به خصوص اینکه درست در جبهه مقابل، کسانی که می خواهند از موضع نقیض اینها از تضاد اسلام و حقوق بشر حرف بزنند، از این حرف بهره برداری می کنند. یعنی گروهی که از موضع سنت گرایی و ارتجاع (منظورم نفی حقوق بشر است) حرف می زنند، استناد می کنند به همین حرف. می گویند ببینید خود مدافعین حقوق بشر هم می گویند که این تضاد وجود دارد، پس چرا شما سعی می کنید بگویید وجود ندارد. بعد سعی می کنند احساسات و عواطف توده های مذهبی را بر علیه حقوق بشر بسیج کنند. بعضی ها آگاهانه و عالمانه این کار را می کنند، در واقع با هدف سیاسی چون وقتی که حقوق بشر توسعه پیدا کند، پایگاه قدرت سیاسی یا پایگاه قدرت اقتصادی نیروهای خاصی ضعیف می شود. بنابراین با اهداف سیاسی سعی می کنند با طرح این تضاد، عواطف را بسیج کنند علیه حقوق بشر. ولو اینکه لائیک ها خیلی خردمندانه بخواهند برخورد کنند و بگویند ما فقط داریم بحث نظری می کنیم، اما این بهره برداری از آن می شود. اتفاقی که می افتد این است که فرض کنید در جامعه از ۷۰ میلیون نفر مردم ایران اگر گفته شود پیشرفت حقوق بشر معنایش این است که می خواهند دین شما را از شما بگیرند، در برابر آن مقاومت می شود. چرا باید چنین مقاومتی در برابر پروژه دموکراسی و حقوق بشر ایجاد کنیم و مردم را علیه آن بسیج کنیم؟ آنها را نگران کنیم؟ اینها نتایج ایجاد ترس از دموکراسی و حقوق بشر در اقشاری از جامعه و متنفذین آن است. در واقع می خواهم بگویم هر دو به یک نتیجه می رسند. هر دو باعث ایجاد مقاومت در برابر پیشرفت حقوق بشر می شوند.

خبرها

سمینار حقوق کودک

شرق: در روزهای ۱۶ و ۱۷ مهرماه سمیناری با حضور اساتید دانشگاه و وکلای دادگستری و NGOهای فعال در زمینه حقوق کودک با عنوان «حقوق کودک، چالش ها و چشم انداز آینده» برگزار خواهد شد. این سمینار با همکاری انجمن حمایت از حقوق کودکان، انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه تهران، به مناسبت روز جهانی کودک برپا می شود. هدف از برگزاری این سمینار تبیین حقوق کودک در چارچوب پیمان نامه جهانی حقوق کودک با تاکید بر وضعیت و چالش های حقوق کودکان در ایران است. مباحث کلی مورد بحث در سمینار عبارتند از: حقوق اقتصادی کودکان، حقوق اجتماعی کودکان، حقوق قضایی کودکان، حقوق فرهنگی کودکان. مقالات ارسالی می توانند پیرامون یکی از مباحث زیر باشند: تبیین چالش های اساسی فراروی حقوق کودکان با رویکرد تطبیقی، جرم و مجازات در حقوق کودکان، خشونت علیه کودکان، کودکان کار و خیابان، اشکال نوین استثمار کودکان، آموزش و پرورش کودکان، راهبردها و چشم انداز سیاست های اجتماعی در خصوص کودکان در وضعیت دشوار، تبیین و ترویج حقوق کودکان در ایران. دبیرخانه این همایش از تمامی پژوهشگران، اساتید دانشگاه، فعالان اجتماعی و فعالان حقوق کودک دعوت به عمل آورده تا مقالات خود را به دبیرخانه این همایش (دفتر انجمن حمایت از حقوق کودک) ارسال کنند.

باید زندانبانی اسلامی در کشور الگو شود

ایسنا: دادستان کل کشور در جمع قضات و کارکنان دادگستری استان اصفهان با بیان اینکه اصل تشکیل دولت در نظام جمهوری اسلامی ایران خدمت به مردم است، گفت: جامعه اسلامی ما باید به سمت عدالت اجتماعی، رفاه نسبی و جامعه ای بدون طبقه گام بردارد؛ چرا که محتوای پیام های حکومتی که از سوی انقلاب و نهضت انقلابی امام خمینی (ره) ارسال می شود پیام های انسانی و ارزشی بوده و بر نیل به این اهداف تاکید دارد. دری نجف آبادی گفت: بعضی از قوانین فعلی کشور دارای نواقصی است که همه کشور درگیر این مسئله است و باید این نواقص را شناخت و آنها را اصلاح کرد. وی همچنین کار قاضی را تطبیق قانون با موارد و مصادیق دانست و افزود: کار قضاوت در همه نقاط کشور یکسان است و بازپرسان و دادیاران باید سر صحنه های جرم و پس از آن به عنوان نماینده دادستان در دادگاه ها حضور یابند. دادستان کل کشور بر اهمیت دادن به امر اصلاح و تربیت در زندان ها تاکید و گفت: در جمهوری اسلامی که توانسته است الگوی مناسبی برای کشورهای آزادیخواه دنیا باشد زندانبانی اسلامی نیز باید الگو شود و این امر تنها با اصلاح و تربیت صحیح مجرمان و اقدامات فرهنگی و تربیتی صورت می پذیرد.